



انديشكده فرهنگ و توسعه

معرفی کتاب



فرهنگ داده‌های عمومی

۲۰۲۵

پولیتی

جانانان دبلیو. وای. گری



چکیده:

داده‌های عمومی، آنچه ما می‌دانیم و نحوه‌ی زندگی ما با هم را شکل می‌دهند. این داده‌ها اغلب دیجیتال، رایگان و مرتبط با موضوعات مورد توجه مشترک، از نمودارهای گرمایش جهانی گرفته تا صفحات گسترده‌ی مشارکتی که اخراج‌های گسترده را مستند می‌کنند، هستند. کتاب «فرهنگ‌های داده‌های عمومی» به بررسی شیوه‌ها و فرهنگ‌های چگونگی عمومی‌سازی داده‌ها در عصر اینترنت می‌پردازد. این کتاب با نگاهی فراتر از روایت‌های آشنا از داده‌ها به عنوان منبعی که باید آزاد یا محافظت شود، دیدگاه‌های جدیدی در مورد داده‌های عمومی به عنوان ماده‌ی فرهنگی شبکه‌ای، به عنوان واسطه‌ی مشارکت و به عنوان محل سیاست‌های فراملی ارائه می‌دهد. برای توضیح بهتر چگونگی ایجاد تغییر توسط داده‌ها، این کتاب به نفع مفهوم گسترده‌تری از آنچه در عمومی‌سازی داده‌ها دخیل است، استدلال می‌کند. این کتاب نه تنها بر حذف محدودیت‌ها، بلکه بر مراقبت از ترتیبات مربوط به عمومی‌سازی داده‌ها به روش‌هایی که درک مشترک و همبستگی را در پاسخ به بسیاری از مشکلات متقاطع زمانه‌ی ما افزایش می‌دهد، تمرکز دارد. این کتاب با پرورش تعاملات انتقادی و خلاقانه با داده‌ها، مطالعه‌ای ضروری برای دانشجویان و محققان مطالعات رسانه، علوم و فناوری و علوم انسانی دیجیتال و همچنین هنرمندان، طراحان، روزنامه‌نگاران و فعالانی است که با داده‌ها کار می‌کنند.

جاناتان گری، استاد دپارتمان علوم انسانی دیجیتال و مدیر مرکز فرهنگ دیجیتال در کینگز کالج لندن است. او همچنین از بنیان‌گذاران آزمایشگاه داده عمومی و پژوهشگر وابسته به ابتکار روش‌های دیجیتال دانشگاه آمستردام و مدیالاب علوم پو در پاریس محسوب می‌شود. کتاب فرهنگ‌های داده عمومی حاصل بیش از یک دهه پژوهش و همکاری او با شبکه‌هایی از پژوهشگران رسانه، فعالان داده و اندیشمندان علوم و فناوری است. این اثر به جای تکرار روایت‌های آشنا درباره داده به عنوان منبعی که باید آزاد یا محافظت شود، تصویری تازه از داده عمومی ارائه می‌دهد و آن را همزمان متریالی فرهنگی، رسانه‌ای برای مشارکت و محلی برای هماهنگی فراملی معرفی می‌کند. گری استدلال می‌کند که فهم درست از عمومی‌بودن داده نیازمند نگاهی گسترده‌تر از صرف رفع محدودیت‌های دسترسی است و باید ترتیبات اجتماعی و فرهنگی پیرامون داده را نیز دربرگیرد.

کتاب در دو بخش اصلی سازمان‌دهی شده است. بخش نخست با عنوان بازاندیشی درباره داده، سه فصل نخست را دربرمی‌گیرد و به بازخوانی مفهوم داده به عنوان پدیده‌ای فرهنگی، مشارکتی و فراملی می‌پردازد. بخش دوم با عنوان درگیرشدن انتقادی با داده، دو فصل پایانی یعنی داده‌های غایب و ساخت داده و همچنین شیوه‌های انتقادی داده را دربرمی‌گیرد و به کنشگری داده و رویکردهای انتقادی متنوع می‌پردازد. گری در سراسر کتاب تأکید می‌کند که مراقبت از ترتیبات مربوط به عمومی‌سازی داده، به همان اندازه اهمیت دارد که رفع موانع دسترسی به آن. او این کتاب را نه صرفاً اثری آکادمیک بلکه دعوتی برای بازاندیشی و بازآفرینی خلاقانه فرهنگ‌های داده عمومی معرفی می‌کند. این کتاب برای دانشجویان و پژوهشگران رسانه، ارتباطات، مطالعات اینترنت، علوم و فناوری و علوم انسانی دیجیتال و نیز هنرمندان، طراحان، روزنامه‌نگاران، کارکنان بخش عمومی و کنشگران داده منبعی ارزشمند به شمار می‌رود.

فصل ۱: داده به مثابه متریال فرهنگی

فصل نخست کتاب به بازخوانی تاریخ فرهنگی داده می‌پردازد و آن را نه صرفاً مجموعه‌ای خنثی از اطلاعات، بلکه ترکیبی از عناصر می‌داند که برای تسهیل محاسبه، پردازش و تفسیر سامان‌دهی شده‌اند. گری در این فصل نشان می‌دهد که اشکال گوناگون سازمان‌دهی داده، از فهرست‌های ساده گرفته تا جدول‌های پیچیده‌تر، هر یک منطق خاص خود را برای نمایش و فهم واقعیت به همراه دارند و این اشکال در طول تاریخ بشری دستخوش تحول بوده‌اند. این رویکرد تاریخی کمک می‌کند تا داده به عنوان امری بدیهی و از پیش موجود در نظر گرفته نشود، بلکه محصول فرآیندهای فرهنگی، اجتماعی و فنی خاصی دیده شود که در بسترهای گوناگون شکل گرفته‌اند. نویسنده با ارجاع به نمونه‌های تاریخی



نشان می‌دهد که حتی ساده‌ترین شکل‌های فهرست‌نویسی نیز حامل پیش‌فرض‌هایی درباره نظم و طبقه‌بندی جهان بوده‌اند.

در ادامه، فصل به تحول این اشکال در دوران دیجیتال می‌پردازد و پایگاه‌های داده رابطه‌ای را بررسی می‌کند که ساختار پیچیده‌تری از پیوند میان عناصر داده را ممکن ساخته‌اند. گری نشان می‌دهد که این ساختارها نه تنها شیوه ذخیره‌سازی اطلاعات، بلکه شیوه تفکر درباره روابط میان پدیده‌ها را نیز شکل می‌دهند و بر نحوه پرسیدن پرسش‌ها از داده تأثیر می‌گذارند. از این منظر، فناوری‌های داده صرفاً ابزارهای خنثی نیستند، بلکه بر نحوه دیدن، دسته‌بندی و اولویت‌بندی جهان تأثیر می‌گذارند و بخشی از فرآیندهای معناسازی محسوب می‌شوند. نویسنده با مقایسه منطق پایگاه‌های داده رابطه‌ای با اشکال پیشین سازمان‌دهی اطلاعات نشان می‌دهد که هر گذار فناورانه، تغییراتی در قدرت تفسیر و کنترل داده نیز به همراه داشته است. این بخش از فصل، زمینه را برای بحث درباره تجسم‌های بصری و تعاملی داده در ادامه فراهم می‌کند.

بخش پایانی فصل به تجسم‌های بصری و تعاملی داده می‌پردازد و نشان می‌دهد که چگونه این ابزارها امکان کاوش و کشف الگوهای پنهان در داده را برای مخاطبان غیرمتخصص فراهم می‌کنند. گری همچنین به قالب‌هایی می‌پردازد که فراتر از صفحه نمایش عمل می‌کنند و داده را قابل تجربه می‌سازند، از جمله فرم‌های صوتی، لمسی و فضایی که در نمایشگاه‌ها و پروژه‌های هنری به کار گرفته شده‌اند. او با اشاره به نمونه‌هایی از این قالب‌های غیرمتعارف نشان می‌دهد که تجربه داده می‌تواند فراتر از خواندن اعداد و نمودارها باشد و ابعاد حسی، بدنی و فضایی نیز داشته باشد. این تنوع اشکال، به گفته نویسنده، ظرفیت‌های تازه‌ای برای دموکراتیزه کردن فهم داده ایجاد می‌کند. این نگاه، خواننده را برای فصل بعدی آماده می‌کند که در آن داده نه فقط به عنوان مترپال فرهنگی، بلکه به عنوان رسانه‌ای برای مشارکت فعال افراد بررسی خواهد شد.

فصل ۲: داده به مثابه رسانه مشارکت

فصل دوم کتاب به شیوه‌های گوناگون مشارکت‌ورزی با داده می‌پردازد و نشان می‌دهد که داده تنها ابزاری برای ثبت واقعیت نیست، بلکه می‌تواند بستری برای درگیرشدن فعالانه افراد با مسائل عمومی باشد. گری در آغاز فصل به دعوت‌هایی اشاره می‌کند که نهادها، پلتفرم‌ها و پروژه‌های مدنی برای مشارکت شهروندان در تولید یا تفسیر داده طراحی می‌کنند. این دعوت‌ها می‌توانند از پرسشنامه‌های ساده گرفته تا پلتفرم‌های گزارش‌دهی شهروندی متنوع باشند و هر یک منطق خاص خود را برای جلب مشارکت به کار می‌گیرند. نویسنده تأکید می‌کند که نحوه طراحی این دعوت‌ها، تعیین‌کننده نوع و کیفیت مشارکتی است که شکل می‌گیرد و می‌تواند مشارکت را محدود یا گسترده سازد.





بخش دوم فصل به بازاستفاده از داده اختصاص دارد، یعنی فرآیندی که در آن افراد و گروه‌ها داده‌های موجود را از بستر اولیه‌شان خارج کرده و برای مقاصد تازه به کار می‌گیرند. گری با اشاره به نمونه‌هایی از این نوع بازاستفاده نشان می‌دهد که داده عمومی می‌تواند به ابزاری برای روایت‌های جدید، افشاگری یا دفاع از منافع گروه‌های حاشیه‌ای تبدیل شود. این بازاستفاده معمولاً نیازمند مهارت‌های فنی و تفسیری خاصی است که همه افراد به یک اندازه به آن دسترسی ندارند. نویسندگان همچنین به چالش‌های اخلاقی و سیاسی این بازاستفاده اشاره می‌کند، از جمله پرسش درباره اینکه چه کسی حق دارد داده دیگران را بازتفسیر یا بازتولید کند.

بخش پایانی فصل به فرآیند ساخت داده توسط شهروندان و گروه‌های مدنی می‌پردازد، جایی که مشارکت‌کنندگان به جای صرفاً استفاده از داده موجود، خود اقدام به تولید داده تازه می‌کنند. گری این نوع مشارکت را شکل عمیق‌تری از درگیری با داده می‌داند، زیرا افراد را از جایگاه مصرف‌کننده به جایگاه تولیدکننده دانش منتقل می‌کند. او نشان می‌دهد که چنین فرآیندهایی می‌توانند حس مالکیت و مسئولیت جمعی نسبت به مسائل عمومی را تقویت کنند. این فصل با این نتیجه‌گیری به پایان می‌رسد که مشارکت با داده، طیفی گسترده از کنش‌های ممکن را دربرمی‌گیرد که هر یک نیازمند بررسی جداگانه‌ای است.

فصل ۳: داده به مثابه هماهنگی فراملی

فصل سوم به بررسی داده به عنوان محلی برای هماهنگی و کنش فراملی می‌پردازد و نشان می‌دهد که چگونه داده می‌تواند مرزهای ملی را درنور دیده و شبکه‌هایی از همکاری جهانی شکل دهد. گری در ابتدای فصل به نقش هشتگ‌ها به عنوان یکی از ساده‌ترین اما مؤثرترین ابزارهای هماهنگی فراملی اشاره می‌کند. او توضیح می‌دهد که هشتگ‌ها می‌توانند رویدادها، مطالبات یا اعتراض‌های پراکنده در نقاط مختلف جهان را حول محوری مشترک گرد هم آورند و امکان دیده‌شدن و پیگیری جمعی آن‌ها را فراهم سازند. این ابزار ساده، به گفته نویسندگان، ظرفیت شگرفی برای پیوند دادن تجربه‌های محلی به گفتمان‌های جهانی دارد و در عین حال محدودیت‌هایی نیز در ثبات و پایداری این پیوندها ایجاد می‌کند.

در بخش دوم فصل، گری به نقش اسناد و مدارک به عنوان ابزار هماهنگی فراملی می‌پردازد. او نشان می‌دهد که چگونه گردآوری و به اشتراک‌گذاری اسناد میان شبکه‌های پژوهشگران، روزنامه‌نگاران و کنشگران می‌تواند امکان بررسی تطبیقی و افشای الگوهای مشترک را در سطح جهانی فراهم سازد.





نویسنده به دستگاه‌های ارزیابی نیز اشاره می‌کند، یعنی سازوکارهایی که کشورها یا نهادهای مختلف را بر اساس شاخص‌های مشترک رتبه‌بندی یا مقایسه می‌کنند. این دستگاه‌ها هرچند ابزار مفیدی برای مقایسه فراملی به شمار می‌روند، اما گری هشدار می‌دهد که ساده‌سازی‌های ناشی از رتبه‌بندی می‌تواند تفاوت‌های زمینه‌ای مهم میان کشورها را نادیده بگیرد.

بخش پایانی فصل به پروژه‌های داده‌ای می‌پردازد که به طور خاص برای هماهنگی میان گروه‌های فعال در کشورهای مختلف طراحی شده‌اند. گری نمونه‌هایی از این پروژه‌ها را بررسی می‌کند که در آن‌ها شبکه‌ای از پژوهشگران و کنشگران در کشورهای گوناگون، داده‌های مشابهی را گردآوری و مقایسه می‌کنند تا تصویری جامع‌تر از یک مسئله جهانی ارائه دهند. او تأکید می‌کند که موفقیت چنین پروژه‌هایی نیازمند هماهنگی روش‌شناختی دقیق و همچنین حساسیت نسبت به تفاوت‌های فرهنگی و سیاسی میان زمینه‌های محلی است. این فصل نشان می‌دهد که داده، فراتر از ابزاری فنی، می‌تواند بستری برای همبستگی و کنش جمعی در مقیاس جهانی باشد.

فصل ۴: داده‌های غایب و ساخت داده

فصل چهارم کتاب به پدیده داده‌های غایب می‌پردازد، یعنی مواردی که در آن‌ها نهادهای رسمی از گردآوری یا انتشار داده درباره موضوعی مهم خودداری می‌کنند یا داده موجود ناقص و گمراه‌کننده است. گری نشان می‌دهد که این غیاب هرگز خنثی نیست، بلکه اغلب بازتاب‌دهنده اولویت‌های سیاسی و اقتصادی نهادهای قدرت است. او با اشاره به نمونه‌هایی از حوزه‌های مختلف توضیح می‌دهد که فقدان داده رسمی می‌تواند مسائل مهمی را از دید عموم پنهان نگه دارد و مانع پاسخگویی نهادها شود. نویسنده مفهوم تخیل زیرساختی را نیز معرفی می‌کند، به این معنا که کنشگران باید بتوانند تصور کنند چه نوع زیرساخت داده‌ای برای پاسخگویی به یک مسئله عمومی لازم است، پیش از آنکه بتوانند آن را بسازند.

بخش دوم فصل به پروژه‌هایی می‌پردازد که در پاسخ به داده‌های غایب درباره کشتار توسط پلیس شکل گرفته‌اند. گری توضیح می‌دهد که در نبود آمار رسمی و قابل اعتماد، گروه‌هایی از روزنامه‌نگاران، پژوهشگران و کنشگران مدنی اقدام به گردآوری مستقل داده از منابع پراکنده کرده‌اند تا تصویری دقیق‌تر از مقیاس این پدیده ارائه دهند. او نشان می‌دهد که این پروژه‌ها نه تنها ابزاری برای مستندسازی هستند، بلکه به خودی خود شکلی از کنشگری سیاسی محسوب می‌شوند که می‌توانند فشار عمومی برای اصلاح سیاست‌ها ایجاد کنند. نویسنده به چالش‌های روش‌شناختی این نوع پروژه‌ها نیز اشاره می‌کند، از جمله دشواری تأیید و استانداردسازی داده‌های گردآوری‌شده از منابع غیررسمی و پراکنده.





بخش پایانی فصل به دو حوزه دیگر می‌پردازد که در آن‌ها ساخت داده مستقل اهمیت یافته است، یعنی فرار مالیاتی شرکت‌های چندملیتی و ردیابی نیروگاه‌های زغال‌سنگ در سطح جهانی. گری نشان می‌دهد که در هر دو مورد، شبکه‌هایی از پژوهشگران و کنشگران با ترکیب اسناد نشتی‌شده، تصاویر ماهواره‌ای و گزارش‌های محلی، داده‌هایی تولید کرده‌اند که نهادهای رسمی از انتشار آن‌ها خودداری کرده بودند. او این پروژه‌ها را نمونه‌هایی از آنچه زیرساخت‌های داده‌ای مردمی می‌نامد معرفی می‌کند و تأکید می‌کند که چنین ابتکاراتی می‌توانند شکاف میان شفافیت وعده‌داده‌شده و واقعیت موجود را کاهش دهند و مسیرهای تازه‌ای برای پاسخگویی نهادهای بگشایند.

فصل ۵: شیوه‌های انتقادی داده

فصل پنجم کتاب مروری جامع بر رویکردهای انتقادی متنوعی ارائه می‌دهد که در سال‌های اخیر برای بازاندیشی درباره داده شکل گرفته‌اند. گری در آغاز فصل به رویکردهای دیکلونیل و بومی اشاره می‌کند که داده را از منظر تاریخ استعمار و سلطه معرفتی بررسی می‌کنند و خواستار بازتوزیع قدرت در فرآیندهای تولید و تفسیر داده هستند. او همچنین به رویکردهای فمینیستی می‌پردازد که بر نقش جنسیت، بدن و روابط قدرت در شکل‌گیری دانش داده‌محور تأکید دارند. نویسنده نشان می‌دهد که این رویکردها با وجود تفاوت‌های نظری، در نقد ایده بی‌طرفی مطلق داده و توجه به موقعیت‌مندی دانش اشتراک دارند و خواستار شفافیت بیشتر درباره فرضیات پنهان در فرآیندهای داده‌ای هستند.

در ادامه، گری به رویکردهای فراانسانی و کوئیر می‌پردازد که مرزهای متعارف دسته‌بندی داده را به چالش می‌کشند. رویکرد فراانسانی خواستار توجه به کنشگری موجودات غیرانسانی و محیط زیست در فرآیندهای داده‌ای است، در حالی که رویکرد کوئیر بر سیالیت و ابهام هویت‌ها در برابر دسته‌بندی‌های ثابت و دوتایی داده تأکید می‌کند. نویسنده همچنین به رویکردهای سوداگرانه اشاره می‌کند که از تخیل و تجربه‌های خلاقانه برای تصور آینده‌های جایگزین داده استفاده می‌کنند. او توضیح می‌دهد که این تنوع رویکردها، به جای ارائه یک چارچوب واحد، مجموعه‌ای از ابزارهای مفهومی در اختیار پژوهشگران و کنشگران قرار می‌دهد.

بخش پایانی فصل به رویکردهای غلیظ، گرم و عجیب می‌پردازد که هر یک بر بُعدی خاص از تجربه داده تأکید دارند، از توجه به زمینه و جزئیات فرهنگی گرفته تا اهمیت دادن به ابعاد احساسی و غیرمتعارف داده. گری این فصل را با این استدلال جمع‌بندی می‌کند که شیوه‌های انتقادی داده نباید صرفاً در سطح نظری باقی بمانند، بلکه باید در عمل پژوهشی و کنشگری روزمره به کار گرفته شوند. او





تأکید می‌کند که ترکیب این رویکردها می‌تواند به شکل‌گیری فرهنگ داده‌ای منجر شود که هم عادلانه‌تر و هم خلاقانه‌تر از وضعیت کنونی است.

نتیجه‌گیری

کتاب فرهنگ‌های داده عمومی با نگاهی به آینده داده عمومی در عصر شرکت‌های بزرگ فناوری و هوش مصنوعی به پایان می‌رسد. گری در این بخش هشدار می‌دهد که تمرکز فزاینده قدرت پردازش داده در دست تعداد اندکی از شرکت‌های فناوری، می‌تواند آرمان‌های اولیه جنبش داده باز را تضعیف کند. او توضیح می‌دهد که ظهور مدل‌های زبانی بزرگ و سامانه‌های هوش مصنوعی مولد، پرسش‌های تازه‌ای درباره مالکیت، دسترسی و کنترل داده عمومی مطرح کرده است، زیرا این سامانه‌ها اغلب داده‌های عمومی را بدون توافق روشن با جامعه استخراج و بازتولید می‌کنند. نویسندگان معتقد است این وضعیت نیازمند بازتعریف مفهوم عمومی بودن داده در پرتو قدرت اقتصادی و فنی این بازیگران جدید است.

با این حال، گری نتیجه‌گیری خود را با نگاهی امیدوارانه به پایان می‌برد و بر امکان آینده‌های جایگزین تأکید می‌کند. او خواستار آن است که به جای شروع از صفر، ترتیبات موجود داده عمومی به شکلی انتقادی واری و به شیوه‌ای خلاقانه بازآفرینی شوند، با حساسیتی که او آن را بازتوزیعی و بازآفرینی‌کننده می‌نامد. نویسندگان این کتاب را نه صرفاً تحلیلی گذشته‌نگر، بلکه دعوتی برای تغذیه تخیل جمعی درباره شکل‌های ممکن فرهنگ داده عمومی معرفی می‌کنند. او امیدوار است خوانندگان با مطالعه این اثر، ابزارهای مفهومی تازه‌ای برای بازاندیشی و بازسازی رابطه خود با داده در دنیای پیرامون بیابند.

یافته‌های سیاستی:

گری در فرهنگ‌های داده عمومی، سیاست‌گذاری داده را فراتر از بحث فنی دسترسی یا محرمانگی می‌بیند و آن را به عنوان یک کنش فرهنگی و مراقبتی مطرح می‌کند. او نشان می‌دهد که موج داده باز در دهه ۲۰۱۰ توسط نهادهایی چون سازمان ملل، بانک جهانی، جی بیست و او ای سی دی به یک برنامه رسمی تبدیل شد، اما این رویکرد اغلب به رفع محدودیت‌های دسترسی محدود مانده و از توجه به ترتیبات اجتماعی پیرامون داده غافل بوده است. ویژن سیاستی او دعوتی است به گذار از سیاست‌های صرفاً آزادسازی محور به سمت سیاست‌هایی بازتوزیعی و بازآفرینی‌کننده که مشارکت شهروندی، عدالت داده‌ای و هماهنگی فراملی را در کانون توجه قرار می‌دهند.

۱. آزادسازی کافی نیست، مراقبت لازم است



گری نشان می‌دهد سیاست‌های داده باز که تنها بر رفع محدودیت‌های حقوقی و فنی دسترسی تمرکز دارند ناکافی‌اند. سیاست‌گذاران باید به ترتیبات اجتماعی و زیرساختی نگهداری و تفسیر داده نیز توجه کنند، فرآیندی که او آن را کاری مبتنی بر خلاقیت و مراقبت می‌داند.

۲. به رسمیت شناختن داده‌های مدنی جایگزین

پروژه‌های مستقل شهروندی درباره کشتار پلیس، فرار مالیاتی و نیروگاه‌های زغال‌سنگ، شکاف‌های داده رسمی را پر می‌کنند. سیاست‌گذاران باید این داده‌های مدنی را به رسمیت بشناسند و سازوکارهایی برای همکاری نهادی با آن‌ها ایجاد کنند.

۳. تخیل زیرساختی به عنوان ابزار سیاستی

پیش از طراحی هر زیرساخت داده‌ای، باید تصور شود چه نوع داده‌ای برای پاسخگویی به یک مسئله عمومی لازم است. این رویکرد می‌تواند به سیاست‌گذاران کمک کند زیرساخت‌های داده را هدفمندتر و پاسخگوتر طراحی کنند.

۴. هماهنگی فراملی نیازمند حساسیت زمینه‌ای

هرچند هشتگ‌ها، اسناد مشترک و دستگاه‌های ارزیابی جهانی امکان همکاری فراملی را فراهم می‌کنند، سیاست‌های داده جهانی باید از ساده‌سازی‌های ناشی از رتبه‌بندی پرهیز کرده و تفاوت‌های فرهنگی و سیاسی محلی را در نظر بگیرند.

۵. بازتعریف حاکمیت داده در عصر هوش مصنوعی

با استخراج گسترده داده عمومی توسط شرکت‌های بزرگ فناوری برای آموزش مدل‌های هوش مصنوعی، گری خواستار چارچوب‌های سیاستی تازه‌ای است که مالکیت، رضایت جامعه و کنترل دموکراتیک بر داده عمومی را در برابر این بازیگران جدید تضمین کند.

نقاط قوت:

۱. پیوند نظریه و مصداق عینی

کتاب صرفاً در سطح مفهومی باقی نمی‌ماند، بلکه هر بحث نظری را با نمونه‌های واقعی مانند پروژه‌های ردیابی کشتار پلیس، فرار مالیاتی و نیروگاه‌های زغال‌سنگ همراه می‌کند و همین موضوع خواندن آن را برای فعالان و پژوهشگران کاربردی می‌سازد.

2. گستره میان‌رشته‌ای

گری با پیشینه‌ای در فلسفه، نظریه انتقادی و کار عملی در حوزه داده، توانسته دیدگاه‌های علوم انسانی دیجیتال، مطالعات رسانه و کنشگری مدنی را در یک روایت منسجم ترکیب کند.

3. توجه به رویکردهای متکثر انتقادی

مرور جامع فصل پنجم بر رویکردهایی چون دیکلونیل، فمینیستی، بومی و کوئیر، تصویری چندصدایی از میدان مطالعات داده انتقادی ارائه می‌دهد که در بسیاری از منابع مشابه دیده نمی‌شود.

4. زمان‌بندی و طرح پرسش‌های امروزی

بحث پایانی کتاب درباره سرنوشت داده عمومی در عصر شرکت‌های بزرگ فناوری و هوش مصنوعی مولد، کتاب را به متنی به‌روز و مرتبط با نگرانی‌های کنونی درباره مالکیت و کنترل داده تبدیل می‌کند.

نقدها:

1. تراکم زبان آکادمیک

با توجه به پیشینه نویسنده در نظریه انتقادی، احتمال دارد لحن و واژگان کتاب برای خوانندگان غیرآکادمیک یا تازه‌وارد به حوزه مطالعات داده، نیازمند تلاش بیشتری برای فهم باشد.

2. نبود نقد مستقل تاکنون

از آنجا که کتاب بسیار تازه منتشر شده، هنوز نقدهای آکادمیک مستقل و بدون جانبداری ناشر یا حلقه دوستان نویسنده در دسترس عموم قرار نگرفته و ارزیابی کامل آن به زمان بیشتری نیاز دارد.

3. ریسک گستردگی بیش از حد موضوع

پوشش‌دادن همزمان تاریخ فرهنگی داده، مشارکت مدنی، سیاست فراملی و ده‌ها رویکرد انتقادی متفاوت در یک جلد نسبتاً فشرده، این احتمال را ایجاد می‌کند که برخی مباحث عمق کافی نیابند.

4. تمرکز جغرافیایی نمونه‌ها

با توجه به شبکه پژوهشی نویسنده در آمستردام، پاریس و لندن، محتمل است بخش عمده مثال‌های عینی کتاب از بستر اروپایی و آمریکای شمالی گرفته شده باشد و نیاز به تکمیل با نمونه‌های جنوب جهانی داشته باشد.



انديشكده فرهنگ و توسعه

باشگاه كتاب فرتو